

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

آرشیف اسناد جنبش انقلابی

هواداران اتحادیه عمومی استادان، محصلان و دانشجویان افغان در امریکا
بازتایپ و ویراستار: نسرين معروفی
۰۴ جنوری ۲۰۲۳

به جای پیشگفتار: به دوام نشر اسناد جنبش انقلابی افغانستان، سند حاضر را که در آن جنایات سوسیال امپریالیسم شوروی نقطه گذاری شده است، با ویراستاری های املانی و انشائی لازم بازتایپ و منتشر می سازم، امید است مورد قبول هموطنان وطن دوست و جنبش انقلابی کشور قرار گیرد. نسرين معروفی

سوسیال امپریالیسم روس و جنایاتش در افغانستان

(۳)

حزب خلق در خدمت دولت خائن شوروی:

واقعیت این است که دولت داوود برای رویزونیستها خوش درخشید ولی مستعجل! تا زمانی که داوود رویزونیستها را در خوان خود شریک بالاستحقاق وانمود می کرد، دیگر قضیه کشتار مردم بین تره ک – ببرک و داوود در میان نبود. تره ک – ببرک سر از گریبان داوود بیرون می کردند، همانطوری که داوود جامه وار آنها را در خود پوشاند. ولی هنگامی که چاکری شان در آستان ظاهر و سپس داوود شاه حنای آنها را نزد مردم بیرنگ ساخت دیگر متاع شان در دربار داوود هم بازاری نداشت. بنابراین داوود آنها را یکایک از خدمت دربار مرخص و بساط شان را از دولت برچید. بدین ترتیب رویزونیستهای داخلی تبدیل به لاشه های گندیده سیاسی آماده به دفن شدند که حتی داوود گفتار از تغذیه با آنها عار داشت. از جانب دیگر وابستگی داوود به امپریالیسم امریکا و سفرش به عربستان سعودی سوسیال امپریالیسم شوروی را با وجود امتیازات بیحد و حصری که در افغانستان به دست آورده بود سخت ناراحت ساخت. انکشاف اوضاع در شرق میانه به نفع امپریالیستهای امریکائی و ملاقات داوود با سادات، میانجیگری محمد رضاشاه سگ زنجیری امپریالیسم امریکا به دستور کارتر، برای اعتبار دادن مذاکرات سادات – بیگن در "برقراری صلح در شرق میانه" به نظر مرتجعان کرملین حرکت "ضد روسی" بود، چه سرخ "ابتکار" در این مذاکرات به دست ابر قدرت امریکا بود که سوسیال امپریالیستهای روسی از بهره گیری در این معامله میان ارتجاع عرب و امپریالیست های امریکائی بالای حقوق حق خلق عرب بی نصیب می ماند. علاوتاً نظر به حرص و ولع سوسیال امپریالیستهای روسی در رسیدن به آبهای بحر هند که از آرزوهای دیرین شان است، افغانستان یک منطقه مهم ستراتیژیک بوده که دولتهای ارتجاعی افغانستان در زیر فشار خلق نتوانسته اند این مأمول دولت شوروی را تا امروز برآورده سازند. دولت شوروی برای تطبیق برنامه های شوم خود رقابت با امپریالیستهای جاپانی، غربی، امریکائی در چپاول خلقهای قاره آسیا توطئه امضای "قرارداد صلح آسیائی" را به راه انداخت تا از یک طرف دولتهای ارتجاعی منطقه را مانند اقمار اروپای شرقی اش شامل پیمانهای نظامی – سیاسی خود ساخته و خلق چین را تجرید کند، از جانب دیگر پیمانهای اقتصادی برای چپاول بیشتر ثروت های منطقه (مانند کمیکان در اروپا) در

پهلوی پیمان نظامی - سیاسی خویش در آسیا به وجود آورد. پس شکست توطئه امضای "قرارداد صلح آسیائی" در اثر مقاومت خلقهای منطقه، سوسیال امپریالیسم شوروی به مداخلات مستقیم در امور داخلی کشور های آسیائی دست زده و از جانبی هم اختلافات مرزی بین کشورها را مغرضانه دامن می زند تا آب را گل آلود و خود "ماهی مراد" بگیرد. اوج گیری اختلافات مرزی بین افغانستان و پاکستان روی مسأله پشتونستان، تجاوزات دولت هند بر پاکستان شرقی با اتکای نیروهای نظامی روس، رویکار آمدن مجیب الرحمن، دامن زدن اختلافات مرزی کشمیر با هندوستان، مداخله شوروی در امور داخلی سری لانکا یک سری حوادثی است که به دستور روس ها و دستکاری احزاب رویزونیستی و دولتهای ارتجاعی فضای سیاسی منطقه را مکرر ساخته است. از جمله کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ بر مبنای سیاست تجاوزی شوروی دار و دسته تره ک - ببرک را از لبه گور نابودی بر اریکه سلطنت داوود شاه رساند که یقیناً این کودتا آفتاب به لب بام رسیده ای شان را به زوال ابدی خواهد سپرد. دار و دسته تره ک - ببرک نوکران گوش به فرمان شوروی با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ دیوانه وار [تخت خون آلود] شاه داوود خان را به اتکاء دولت روسیه تصاحب کردند. شبکه های جاسوسی ک. ج. ب. به دستکاری رویزونیستهای وطنی کودتا را سرهمبندی و سر انجام تاج و تخت سلطنت را به آنانی که سالها در عطش آن بال و پر سوختند، تسلیم داد.

خلق افغانستان کارگذاری ماهران سیاسی - نظامی شوروی را چون آفتاب رخشان همان روزی که در "دلش" کودتا به راه افتاد به چشم سر مشاهده کردند. رویزونیستهای افغانی که از هیچ گونه دنائت، کرنش و شوکت در جرم وطنفروشی های ظاهر شاه و داوود شاه برای کسب قدرت دریغ نکردند، اینک پیمان وطنفروشی خود را در قبال کرامت اربابان خویش سر از نو عقد کردند.

دار و دسته تره ک - ببرک در هر قدم حرکات دولت ضد خلقی شوروی را که بر گرده مردم افغانستان پای می گذاشت هورا کنان استقبال کرده اند. ظاهر شاه را به تأسی از سفرش به شوروی دست بوسیدند و به خاطر تمایلاتش او را مترقی، دموکرات، حامی مردم و حافظ حقوق شان خواندند و سرنای دموکراسی، پارلمان و قانون اساسی او را سرودند. برای داوود شاه خود رقصیدند، جاسوسی کردند و او را عنصر چپ نامیدند. خلاصه تره ک - ببرک هر "گلی که به آب ریختند" همه به پاس گل روی روسها بود. نغمه ها سرودند، همه برای در گشائی روسها به افغانستان.

تره ک - ببرک قرار داد گاز را به قیمت یک بر سوم نرخ بین المللی آن عادلانه خواندند زیرا که افغانستان منبع غنی ندارد تا مصارف تمدید پایپ لاین را به اروپا جبران و بعداً به نرخ بین المللی به فروش رسد. بنابراین روسها "برای جلوگیری از هدر رفتن گاز" و به منظور "کمک اقتصادی" به افغانستان حاضر شدند آن را خریداری کنند! اگر این عبارت را از زبان تره ک - ببرک به زبان یک افغان به فارسی ترجمه کنیم چنین می شود:

چون افغانستان امکانات اقتصادی تمدید پایپ لاین گاز را تا اروپا ندارد بنابراین گاز در مارکیت چپاولگران اروپائی عرضه شده نمی تواند لذا خرسهای مسکوئی دغدغه آن را تناول می کنند. تره ک - ببرک که سنگ انقلاب به سینه می کوبند در این تحلیل ماهیت ارتجاعی خود را آشکار می سازند. بدین معنی که به زعم آنها قیمت گاز افغانستان را رقابت مارکیت های اروپا تعیین می کند نه عرق جبین و نیروی بازوی کارگران و زحمتکشان افغانستان که دولت تنزیل بگیر شوروی خود را از آن فربه تر می سازد؟! بدین معنی که دولت خائن شوروی با سرمایه گذاری و انحصار خود تفاوت نرخ را به جیب می زند نه محصول رنج کارگر افغانی را که خود در بدترین شرایط برای تسخین، پخت و پز از فضل حیوانات و گیاه های دشتی استفاده کرده و زمستانهای سرد را سپری می کنند! اگر منطق این باشد بسادگی شوروی را هم می توان کشور سوسیالیستی قبول کرد که ننگ برین منطق برزنی!

کارگران، کارمندان و کارشناسان افغانی بارها ارزیابی خائنانه متخصصان روسی را از منابع گاز، نفت، ذغال و ... افغانستان افشاء کرده که منجر به برطرفی، تهدید و زندانی شدن آنها گردیده است. زمانی که کارگران، کارمندان و کارشناسان افغانی به ضد خیانت‌های دولت شوروی دست به افشاگری و مبارزه پیگیر زدند، روسها خائنانه ذخیره گاه گاز را آتش زدند که آتش سوزی آن ماه ها طول کشید و میلیونها افغانی گاز افغانستان قربان غضب خرس های روسی گردید. ولی دار و دسته تره ک - ببرک بیشرمانه از اعمال و قرارداد های چپاول گرانه روسها به دفاع برخاسته به ضد افغانها به طرفداری از روسها موضعگیری و خلاف ارزیابی کارشناسان افغانی سروی غرض آلود روسها را قابل اعتبار خوانده اند. تره ک - ببرک که در بیخردی وهم از بی وجدانی دست کمی ندارند، دودسته به سفسطه باداران روسی خود چسبیده، منبع گاز افغانستان را ناچیز جلوه می دهند تا ربا خواری دولت تنزیل بگیر شوروی را از ثروت مردم افغانستان تبرئه کنند. در حالی که اگر بکوشند این سفسطه را اندکی نزدیک به سطح خرد انسانی تحلیل کنند بزودی پی خواهند برد که اگر گاز افغانستان منبع غنی نداشت، دولت شوروی چگونه استخراج خریداری آن را برای مدت طولانی یعنی بیست سال انحصار کرد؟! هر گاه تره ک - ببرک در روشنی این تحلیل بر بیخردی خود فایق آیند. درمان بی وجدانی شان را خلق افغانستان خواهد کرد و آنها را در موضع مردم افغانستان خواهد کشاند!

کودتاچینی که با هزارها من سرش کوشیده اند قبا۱ انقلابی بر چهره خود و اربابان روسی شان بزنند، امتیازات بیحد و حصر دولت شوروی را در افغانستان توسعه داده اند. در عرض چند ماه بعد از کودتا ده ها قرارداد اقتصادی امضاء و پروژه های پرسودی را مانند قرارداد ساختن یک مجتمع ذوب مس، سرمایه گذاری بیشتر شوروی در دستگاه برق حرارتی مزار شریف ... را به روس واگذار کردند تا از یکطرف سرمایه های انباشته شده شوروی به دوران بهره گیری افتد و از جانبی دولت ضد خلقی شوروی را در انتظار عامه مهربان جلوه دهد.

کود یوریا افغانستان که دارای کیفیت عالی بوده دولت خائن شوروی خریداری آن را پائنتز از نرخ بین المللی در بارجامه های پلاستیکی ساخت جاپان که باید افغانستان آن را خریداری کند، انحصار کرده است. هزاران تن کود یوریا که نظر به اشکال مواصلاتی بارجامه های جاپانی، در بارجامه های عادی به بندر حیرتان انتقال داده شده است از طرف روسها مسترد گردیده و به مصارف افغانستان دوباره به گدام انتقال و قسمت زیادی از آن در اثر بارندگی، خسارات حمل و نقل و غیره عوامل تلف گردیده است. دولت شوروی کود یوریا افغانستان را بالای اقمار اروپائی اش به فروش رسانده و از دلای آن میلیونها افغانی ثروت مردم افغانستان را به جیب می زند.

سمنت افغانستان که در فابریکه های سمنت غوری و جبل السراج تولید می گردد به نرخ یک بر سوم تا یک بر ششم (در مواقع قلت و احتکاران توسط کمیشنکاران) آنچه خود مردم افغانستان برای خریداری یک خریطه آن می پردازند به روسیه صادر می گردد. در حالی که مردم افغانستان در بدترین شرایط بی مسکنی به سر می برند و صبح های زود تا شام های دیر با دستگاه های بیروکراتیک چنه می زنند تا امر خریداری پنجاه خریطه سمنت را به دست آورند. سرانجام امر بیروکراتیک که در بدل رشوه گزافی در پهلوی رو شناسی و وساطت به دست آمده نظر به این که ماه ها در مغازه توزیع، سمنت وجود ندارد یا مفقود و یا هم پوسیده می شود. ولی دولت تره کی به هیچ وجه حاضر نشده صدور سمنت را به شوروی قطع و یا حد اقل تقلیل دهد چون از توانش خارج و از خواستش دور است.

ادامه دارد